

تعاونیهای نسل نو (NGC) نوعی بدعت‌گذاری نهادی به شمار می‌روند که روستاییان را در انجام روشهای فرآوری با ارزش افزوده یاری رسانده‌اند که به شیوه سرمایه‌گذاری در یک تعاونی سنتی ناممکن به نظر می‌رسد. اما تعاونی نسل نو چیست؟ این دسته تعاونیها با در اختیار داشتن حقوق و تعهدات مشخص و سهام قابل معامله نیروی

محركی در افزایش همه

جانبه تعداد تعاونیهای ایجاد

شده در دهه ۱۹۹۰ می‌باشند.

هر چند به تازگی نگرانیهایی در

مورد پایداری بلندمدت تعاونیهای نسل

نو ایجاد شده است.

برای نمونه در سال ۲۰۰۲، اعضای تعاونی فراوران ذرت مینسوتا با موضوع فروش کار تولید اتانول و شیرین‌کننده ذرت خود به شرکت آرچردانیل میدلند موافقت کردند، و اعضای تعاونی ما کارونی داکوتا تبدیل تعاونی خود را به یک شرکت سهامی با مالکیت سرمایه‌گذار پذیرفتند. آیا باید اینگونه تغییر و تحولات را انحراف از فلسفه تعاون و نوعی نقص به حساب آورد یا این روند آشکارکننده ضعف و آسیب‌پذیری ذاتی تشکلهای تعاونی نسل نو می‌باشد؟

بهرحال، باید دانست که هر تغییر و تبدیلی به دلیل یک رشته رویدادها و تصمیمات منجر به تحول سازمانی حالت منحصر به فرد خود را دارد. برای شناخت این مطلب که آیا نیروهای درونی و بنیادین مشترک در همه وضعیتهای وجود دارد، یک مدل شبیه‌سازی شده از تشکیل تعاونی و بازار سهام تعاونی در نظر می‌گیریم.

در این مدل کشاورزانی حضور پررنگ دارند که نوعی محصول تولید می‌کنند و محصول آنان ماده خام یک کارخانه صنایع تبدیلی با ارزش افزوده به شمار می‌رود. این کشاورزان از نظر وسعت زمین زیرکشت، موقعیت استراتژیک زمین و خطرات احتمالی با یکدیگر متفاوتند اما همگی منابع و تصمیمات سرمایه‌گذاری را به نحوی مدیریت می‌کنند که موفقیت بلندمدت آنان را به

حداکثر می‌رساند.

در این مدل همچنین یک شرکت غیرتعاونی وجود دارد که دخالتی در کار کشاورزی ندارد بلکه می‌تواند یک واحد فرآوری بسازد یا می‌تواند یک واحد تعاونی خریداری کند. کشاورزان مدل شبیه‌سازی ما می‌توانند گردهم آمده و یک واحد فرآوری ارزش افزوده تعاونی

## چرا تعاونیها اغلب به ایجاد انواع جدید صنایع تبدیلی با ارزش افزوده سوق داده می‌شوند؟

یکی از مزیت‌های قابل توجه سرمایه‌گذاری کشاورزان و روستاییان در یک واحد تعاونی نسل نو ایجاد صنایع تبدیلی و ارزش افزوده است که کمتر نیز به آن پرداخته شده است، مورد دیگر

## بازار بورس تعاون

ایجاد

کنند و

روشهای خرید

و فروش سهام

تعاونی نیز می‌تواند در

این مدل متفاوت باشد تا

بتوان الزامات تصمیم‌گیری

درخصوص طراحی سازمانی را

شناسایی نمود.

بنابراین از مدل مذکور برای پاسخ به

سه پرسش زیر استفاده می‌شود:

● چرا تعاونیها اغلب به ایجاد انواع

جدید صنایع تبدیلی با ارزش افزوده سوق

داده می‌شوند؟

● چه زمانی آسیب‌پذیری یک تعاونی

نسل نو برای تبدیل به یک شرکت

غیرتعاونی بیشتر می‌شود؟

● چگونه قوانین و مقررات معامله

سهام تعاونی نسل نو بر تشکیل تعاونی و

میزان آسیب‌پذیری آن برای مغلوب شدن

به غیر تعاونیها موثر است؟

یافته‌های ما در اینجا می‌تواند موضوع

مغلوب شدن یا تبدیل تعاونی نسل نو را

توضیح دهد و همچنین چندگام عملی که

هیأت مدیره تعاونی برای جلب

سرمایه‌گذاران جدید بخش کشاورزی به

تعاونی نسل نو در هنگام بروز تهدید و

خطر برای تعاونی باید بردارند، مشخص

نماید.

● استیون ج. هالند از کالج ماکالستر

● رابرت پ. کینگ از دانشگاه مینسوتا

● مترجم: مرجانه سلطانی

مزیت

تنوع‌پذیری

آن است، شما

تولیدکنندگان ذرت

را در نظر بگیرید که

فرصت سرمایه‌گذاری در

یک واحد تولید اتانول را

دارند. این کشاورزان همواره با

خطر و احتمال سقوط ناگهانی و

شدید قیمت ذرت روبرو هستند.

گرچه، قیمت‌های پایین ذرت، موجب

افزایش سود در گردش یک تعاونی نسل نو

اتانول به دلیل باقی‌گذاردن سودهای

بازگشتی بیشتر می‌شود. در حالی که

سرمایه‌گذاری در یک واحد تولید اتانول

با ضرر و زیانهای خاص خود همراه است،

اما می‌تواند در عین حال به تعدیل وضعیت عدم اطمینان عمومی عضو تعاونی با کند کردن تأثیر نوسانات کاهش قیمت ذرت منجر شود. به طور خلاصه، تعاونی نسل نو مزایایی برای اعضای تعاونی فراهم می‌کند که بسیار فراتر از سهم شدن در سودهای شرکت حائز اهمیت است.

امکان تنوع‌پذیری البته به اعضا کمک می‌کند، اما در کار تعاونی نیز موثر است. چنانچه سرمایه‌گذاران تعاونی از تنوع‌پذیری که از محل سهام تعاونی نسل نو؛ آنان ارائه می‌شود منتفع گردند، در آن صورت بایستی و در عمل مایل به سرمایه‌گذاری در یک واحد فرآوری تعاونی نسل نو گردند که اندکی سودآوری آن کمتر از آنچه باشد که لازمه جالب سرمایه‌گذاری است. در واقع برای تعاونی آسانتر است که سهام خود را زمانی که مزایای تنوع‌پذیری بر سرمایه‌گذاران بالقوه و آینده‌تعاونی روشن می‌شود به فروش برسانند.

در اینجا مزایای تنوع‌پذیری مالکیت سهام تعاونی نسل نو می‌تواند روشن کند که چرا بسیاری از کارخانه‌های اتانول به شکل تعاونی نسل نو فعالیت می‌کنند. برای مثال طبق گزارش سازمان کشاورزی ایالت مینسوتا، ۱۱ کارخانه تولید اتانول از ۱۴ کارخانه موجود تولیدکننده محصول فوق، تعاونی نسل نو هستند که ۸۵ درصد کل تولید اتانول آن ایالت را تأمین می‌کنند.

به عنوان یک قانون کلی، شرکت‌های در مالکیت سرمایه‌گذار (IOF) در تولید اتانول سرمایه‌گذاری می‌کنند چرا که کاری سودآور است و نه به این دلیل که این کار به مجموعه آثار تولیدی آنان تنوع می‌بخشد. در نتیجه، آنان فقط زمانی یک کارخانه اتانول می‌سازند که سود حاصله کاملاً هزینه‌های سرمایه‌گذاری آنان را جبران کنند. از سوی دیگر تعاونی‌های نسل نو قادرند سود کمتر را تحمل کنند چرا که آنها مزیت تنوع‌پذیری و توسعه تولیدات را به اعضای خود اعطا کرده‌اند. این امر خود موجب می‌شود تعاونی‌های نسل نو بتوانند در شرایطی که شرکت‌های در مالکیت سرمایه‌گذاری میدان را ترک

خواهند کرد، با افزایش نقدینگی به ساخت کارخانه‌های صنایع تبدیلی اقدام کنند.

به دلیل مزایای تنوع‌پذیری، اعضای بالقوه تعاونی نسل نو مایلند در واحدهای فرآوری حتی در شرایط کمتر مطلوب در مقایسه با سرمایه‌گذار در شرکت‌های (IOF) سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه باید شرایطی در بازار حاکم باشد (یعنی شرایط حفاصل در آستانه سرمایه‌گذاری) که اعضای تعاونی نسل نو مایل به سرمایه‌گذاری در یک واحد فرآوری باشند در حالی که سرمایه‌گذار شرکت (IOF) چنین تمایلی نخواهد داشت. این مزیت فرصتی برای تعاونی نسل نو است که بدون مزاحمت رقیبی به اسم شرکت غیرتعاونی در مالکیت سرمایه‌گذار، کار خود را آغاز کند.

### چه زمانی آسیب‌پذیری تعاونی نسل نو برای تبدیل به یک شرکت غیر تعاونی بیشتر می‌شود؟

یکی از دلایلی که تعاونی‌های نسل نو به ارائه مزایای تنوع‌پذیر محصولات می‌پردازند این است که اعضا بتوانند دائماً احتمال ضرر و زیان را با خرید و فروش و معامله سهام تعاونی نسل نو متعادل سازند. البته این بحث در جایی که نتوان به آسانی سهام تعاونی را معامله کرد با شکست مواجه می‌شود. این را مشکل بازار کساد می‌نامند.

در بیشتر موارد، فقط تعداد محدودی از افراد در موقعیتی هستند که بتوانند سهام تعاونی نسل نو را خریداری کنند چرا که طبق قوانین تعاون، اعضا باید محصولات قابل فرآوری تولید کنند و اما در بین آن دسته افرادی که می‌توانند این سهام را بخرند نیز کمتر از افرادی هستند که واقعاً تمایل به این کار دارند.

برای نمونه، بسیاری تولیدکنندگان ذرت معتقدند که سرمایه‌گذاری در یک واحد تولید اتانول بسیار با هدف پویا کردن سرمایه‌گذاری توسط اعضا در تعاونی نسل نو فاصله دارد. برخی صرفاً علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری ندارند.

مشکل بازار کساد زمانی حادث می‌شود

که اعضا همان اهداف کلی را دنبال کنند. مثلاً وقتی کار کارخانه اتانول پررونق است، بسیاری از سرمایه‌گذاران بالقوه برای ورود صف می‌کشند اما شاید کمبود فروشنده سهام وجود داشته باشد. از سوی دیگر، وقتی کارخانه سودآور نیست، بسیاری از اعضا می‌خواهند سهام خود را بفروشند در حالی که خریداران آن سهام اندکند.

در هر صورت، مقدار کم سهام تعاونی نسل نو خرید و فروش می‌شود مگر آنکه افزایش و کاهش شدید در قیمت‌ها صورت پذیرد، در غیر این صورت سرمایه‌گذاران به وحشت می‌افتند که سرمایه آنان به هدر خواهد رفت. به عبارت دیگر، بازار کساد می‌تواند به این تصمیم منجر شود که سرمایه‌گذاری غیرقابل بازگشت خواهد بود.

این برگشت‌ناپذیری دو اثر بر تعاونی نسل نو خواهد گذارد. اول آنکه سرمایه‌گذاران بالقوه در صورت پیش‌بینی برگشت‌ناپذیری سرمایه، در خرید سهام تردید خواهند کرد. این گونه تفکر افزایش سرمایه اولیه تعاونی نسل نو را با دشواری بیشتری روبرو می‌نماید.

مشکل دوم زمانی رخ می‌دهد که تعاونی قادر به تشکیل باشد اما بازار سهام تعاونی بعداً به بازاری بی‌رونق تبدیل شود. براساس مدل ارائه شده در این نوشتار، چنین احتمالی وجود دارد.

عموماً، زمانی که یک تعاونی پیشنهاد اولیه خود را برای فروش سهام ارائه می‌دهد، سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به خرید سهام تعاونی وجود دارند. پس از چند سال از تشکیل تعاونی، هم حجم سهام مورد معامله و هم قیمت سهام بالا می‌رود چرا که تولیدکنندگان که در ابتدا سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، سعی در خرید سهام تعاونی می‌کنند. اما زمانی که اکثر سرمایه‌گذاران موجود سرمایه‌گذاری متناسب با نیاز خود را انجام دادند، عده کمی مایل به خرید و فروش سهام تعاونی هستند و مشکل بازار کساد رخ می‌نماید. تحلیل ما این است که حجم معامله سهام و قیمت سهام یک تعاونی نسبتاً بالا باقی می‌ماند چرا که سرمایه‌گذاران

مالکیت سهام تعاونی را تعدیل می‌کنند، هر چند، حجم معامله و قیمت سهم به دنبال این مرحله آغازین تعدیل به سطح بسیار کمتری می‌رسد و این امر می‌تواند فرصتی برای یک شرکت در مالکیت سرمایه‌گذار (IOF) فراهم کند که به سرمایه‌گذاری در تعاونی علاقه‌مند شود. اگر ارزش سهام تعاونی نسل نو به اندازه کافی تنزل کند، هزینه‌هایی را که یک شرکت (IOF) با خرید یک واحد موجود فرآوری (تعاونی) متحمل می‌شود کمتر از هزینه ساخت یک واحد جدید خواهد بود. همین دلیل برای (IOF) کافی است که وارد صحنه این بازار شود. در عین حال، اعضای تعاونی نسل نو که از ناتوانی خود برای فروش سهام به سایر تولیدکنندگان به تنگ آمده‌اند نیز پیشنهاد فروش به یک شرکت (IOF) را بسیار جذاب تلقی خواهند کرد. این پاسخ به معضل بازار کساد سهام تعاونی می‌تواند توضیح دهد که چرا تعاونی‌ها گاه از سوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری خریداری می‌شوند و یا راه تبدیل به انواع دیگر شرکت‌ها را برمی‌گزینند که در آن صورت سرمایه‌گذاری از سوی غیرتولیدکنندگان در آنها آزاد باشد.

### چگونه قوانین و مقررات معامله سهام تعاونی نسل نو بر تشکیل تعاونی و میزان آسیب‌پذیری آن برای مغلوب شدن به غیر تعاونیها موثر است؟

معضل بازار کساد میزان تقاضا برای سهام تعاونی نسل نو را کاهش می‌دهد، امکان افزایش سرمایه در تعاونی نسل نو را دشوارتر می‌سازد و شانس مغلوب و خرید شدن توسط یک شرکت سرمایه‌گذار (IOF) را افزایش می‌دهد. اگر تعاونی‌های نسل نو بخواهند کاملاً به مزیت‌های خود بر شرکت‌های سرمایه‌گذار پی ببرند، باید راه‌حل مشکل بازار کساد را بیابند. در ادامه سه راهکار برای این منظور پیشنهاد شده است:

### (۱) روشها و مقررات معامله را با دقت برگزینید

تعاونی‌های نسل نو از طیفی از روشها و مقررات خرید و فروش سهام خود استفاده می‌کنند. در برخی موارد، تعاونی به عنوان یک اتاق پایاپای (معاملات تسهاتی) عمل می‌کند که خریداران علاقه‌مند را در تماس با فروشندگان علاقه‌مند قرار می‌دهد. بسیاری دیگر از تعاونی‌های نسل نو به ایجاد بازارهای حراج ادواری اقدام می‌کنند. هیأت‌های مدیره تعاونی زمانی که قوانین معامله سهام را تنظیم می‌کنند، کمتر به اثرات مربوط به توانایی تعاونی برای افزایش نقدینگی یا استقامت و ادامه کار به هنگام رخ نمودن رقبا برای خرید کل تعاونی دقت می‌کنند.

اقتصاددانان اغلب بازاری را کارآمد می‌نامند که بسیاری فروشنده و بسیاری خریدار به بیان نرخهای خود می‌پردازند و این نشان می‌دهد که هر دو طرف مایل به خرید و فروش کالا هستند. اگر کمیت عرضه شده برای فروش به نرخ رایج کمتر از کمیت مورد تقاضا باشد، خریداران قیمتهایی را پیشنهاد می‌کنند که بتوانند حجم محدود عرضه شده را قبل از رقبا خود خریداری کنند.

همان فرایند موجب سقوط قیمت می‌شود، یعنی زمانی که عرضه از میزان تقاضا بیشتر است، تبادل فوری و کامل اطلاعات موجب سرعت در این فرایند و

در نتیجه توازن قیمت بازاری می‌شود که در آن عرضه و تقاضا برابرند. این را یک بازار کاملاً رقابتی می‌نامند.

برای یک بازار کاملاً رقابتی در دنیای واقعی، وجود بسیاری خریدار و بسیاری فروشنده و تبادل آزاد اطلاعات ضرورت دارد. هر چند تجمع خریداران و فروشندگان بالقوه برای سهام تعاونی نسل نو اغلب محدودیت دارد. همچنین به رغم تلاش بسیار تعاونی‌های نسل نو، شاید جریان آزاد و درست اطلاعات در مورد اعضای علاقه‌مند به خرید یا فروش سهام وجود نداشته باشد چرا که اینگونه اطلاعات صرفاً بر روی تابلوی اعلانات یا وبسایت موجود است. در حالی که این شیوه، کارکرد درستی را برای خریداران و فروشندگان بالقوه فراهم نمی‌کند تا به سرعت قیمت یا کمیتهای را برای واکنش به شرایط بازار تنظیم کنند.

برخی تعاونی‌های نسل نو کوشیده‌اند تا با ایجاد یک بازار خوب و روان برای سهام خود از طریق برگزاری منظم حراج سهام بر ناتوانی‌های خود غلبه کنند. اما طراحی شکل این بازار حراج سهام می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر نقدینگی بازار بگذارد. در اینجا از مدل خود برای ارزیابی دو نوع بازار حراج سهام استفاده کرده‌ایم.

اولین نوع، حراجی تبعیض‌آمیز نامیده می‌شود. فروشندگان بالقوه یک قیمت پایه و خریداران بالقوه یک قیمت پیشنهادی ارائه می‌دهند. سپس تعاونی خریداران با بیشترین قیمت پیشنهادی را به فروشندگان با قیمتهای پایه کم ارائه می‌کند تا جایی که دیگر کسی باقی نماند. قطعاً برخی افراد پیشنهاد یا خواسته‌هایی دارند که ناموفق خواهد بود. ویژگی مشخص حراجی تبعیض‌آمیز آن است که خریداران موفق باید قیمت پیشنهادی خود را بپردازند.

در حالی که حراجی تبعیض‌آمیز یک روش راحت و آسان برای مقابله مناسب



خریداران و فروشندگان است، اما بهترین راه برای افزایش نقدینگی بازار نیست. خریداران که می‌دانند باید قیمت پیشنهادی خود را بپردازند، همواره این انگیزه را دارند که کمتر از مبلغ واقعی و مورد تمایل خود پیشنهاد دهند. اما، قیمت‌های کمتر پیشنهادی می‌تواند به این معنا باشد که تجاری که می‌توانستند در صورت صادفانه بودن مزایده در آن شرکت کنند و برنده شوند، در آن حضوری ندارند. این امر خود به کسادی بازار بیشتر دامن می‌زند.

جایگزین بازار تبعیض‌آمیز، بازار یا حراجی رقابتی است. در یک کارکرد حراج رقابتی، افراد موفق در حراج، قیمت پیشنهادی خود را نمی‌پردازند. در عوض، همه افراد با همان نرخ تهاثری بازار معامله می‌کنند که قیمتی است که تعداد سهام به قیمت برابر یا بیشتر از قیمت تهاثری بازار، مساوی با تعداد سهام به قیمت پایه فروشنده یا کمتر از قیمت تهاثری بازار است.

با این قانون، به افراد موفق در مزایده تضمین داده می‌شود که مبلغی کمتر یا برابر با قیمت پیشنهادی خود بپردازند. از اینسترو دیگر آنان انگیزه‌ای برای دادن پیشنهادی کمتر از ارزش واقعی سهام نخواهند داشت. چرا که پیشنهادهای بالاتر با معاملات بیشتر همراه خواهد بود و این موجب افزایش نقدینگی می‌شود، نتایج به دست آمده از تحلیل مدل ما نشان می‌دهد که گذر از بازار بورس، تبعیض‌آمیز به بازار رقابتی حجم نقدینگی بازار را افزایش و احتمال مغلوب شدن به شرکت سرمایه‌گذار (IOF) را کاهش می‌دهد.

## ۲) متنوع ساختن عضویت تعاونی نسل نو

به یاد داشته باشید که بازار کساد می‌تواند زمانی رخ دهد که سرمایه‌گذاران همه دارای همان اهداف کلی باشند. پس راه دیگر بهبود نقدینگی در بازار بورس و سهام تعاونی، افزودن تنوع در میان اعضاست. برای نمونه وقتی تعاونی سودآور است،

یک کشاورز جوان شاید بخواهد سطح سرمایه خود را افزایش دهد. طبعاً، وی برای یافتن فروشنده با دشواری روبروست، اما اگر تعاونی شماری از اعضای در آستانه بازنشستگی داشته باشد، تعدادی از آنان می‌توانند از فرصت فروش سهام استفاده کنند. به این طریق، سنین متفاوت می‌تواند موجب افزایش نقدینگی بازار شود.

برای نقدینگی بیشتر بازار بورس می‌توان از این طریق عمل نمود که تعاونی توازنی بین تعداد کشاورزان بزرگ و کشاورزان خرده پا و نیز کشاورزانی از طیف جغرافیایی گسترده‌تر برقرار نماید. چنانچه اعضا از شرایط جوی، قیمت‌های محلی و تغییرات مربوط به هزینه‌های تولید به انحای گوناگون متأثر شدند، در آن صورت این احتمال قوی وجود دارد که در آن واحد عده‌ای بخواهند سهام خود را بفروشند و عده‌ای تمایل به خرید سهام داشته باشند. این نوع ایجاد تنوع به حفظ سلامت بازار سهام تعاونی کمک می‌کند.

## ۳) رشد گروه سرمایه‌گذاران بالقوه

بایگاه‌های حراج اینترنتی همچون (eBay)، فروشندگان بیشمار محصولات را در معرض جمع‌کثیری از خریداران بالقوه قرار می‌دهد و شانس یافتن فرد مناسب طرف معامله را صدچندان می‌کند. در مقام مقایسه، بازار سهام تعاونی نسل نو می‌تواند از جریان بیشتر برخوردار باشد اگر اقداماتی برای رشد گروه سرمایه‌گذاران بالقوه تعاونی نسل نو انجام شود. اینترنت می‌تواند فرصتهایی برای تبادل ارزان و به موقع اطلاعات بین کشاورزانی که هرگز یکدیگر را ندیده‌اند و کیلومترها دور از هم زندگی می‌کنند، فراهم کند.

این امکان همچنین می‌تواند تجار بالقوه را به تعدیل و تنظیم سریع و آسان قیمت‌ها و مقادیر کالایی خود برای پاسخگویی به شرایط بازار قادر سازد. در حالی که شاید یک تعاونی هرگز نتواند مدل بازار بورس معاملات تجاری را همانندسازی کند، اما کاربرد محتاطانه این فن‌آوری می‌تواند تعاونی را به چنین

مدلی که شاید در گذشته امکان نداشته است، نزدیکتر نماید.

دو تنگنای عمده که تعداد سرمایه‌گذاران بالقوه تعاونیها را محدود می‌کند عبارتند از: مقررات قانونی که مانع از سرمایه‌گذاری غیر تولیدکنندگان در یک تعاونی می‌شود و نیز هزینه حمل یک محصول از یک نقطه دور به تعاونی. تعاونیهای نسل نو نمی‌توانند کار چندانی برای تغییر مقررات و قوانین انجام دهند، اما اغلب می‌توانند برخی محدودیتها را نادیده بگیرند. متداولترین شیوه رشد تعداد سرمایه‌گذاران بالقوه آن است که تعاونی نسل نو وارد یک سرمایه‌گذاری مشترک یا مشارکت با افراد غیر تولیدکننده شود.

در واقع بسیاری از واحدهای تولید اتانول به صورت شرکتهای با مسؤولیت محدود فعالیت می‌کنند که بخشی از سهام آنان متعلق به تعاونی است و بخشی در مالکیت سرمایه‌گذاران خارج از تعاونی می‌باشد. برخی تعاونیهای نسل نو یک پافراز از این نهاده و تبدیل شدن به شکل تجاری غیر تعاونی را برگزیده‌اند.

دیگر تعاونیهای نسل نو احساس خوبی از مشارکت با غیر تولیدکنندگان ندارند چرا که این ترس وجود دارد که شکل موجود از ماهیت تعاونی خود دور شود.

## نتیجه‌گیری

مدل تعاونی نسل نو، کار سرمایه‌گذاری در واحدهای فرآوری با ارزش افزوده را برای کشاورزان آسانتر می‌کند و فرصتهای تازه‌ای برای سودآوری و تنوع‌پذیری ایجاد می‌کند. اما بازارهای کساد و بی‌رونق برای سهام تعاونیها می‌تواند قدرت کشاورزان را برای سازگار نمودن داراییهای سهام خود محدود کرده و به آسیب‌پذیر شدن تعاونی و مغلوب‌گشتن آن به شرکت سرمایه‌گذاری (IOF) کمک نماید. معضل بازار کساد را نمی‌توان به طور کامل از میان برداشت، اما می‌توان از طریق طراحی دقیق روشهای معامله سهام تعاونی، تنوع‌پذیری ساختار عضویت تعاونی و گسترش جمعیت سرمایه‌گذاران بالقوه تعاونی کاهش داد.